

رسمی پارلمان آن کشور، پیشاپیش مخالفت خود را با این سفر احتمالی ابراز کرده‌اند.

با این همه و بر اساس گزارش‌ها و گمانه‌زنی‌های مختلف، در برخی مقولات خاص، از قبیل همکاری‌های محرمانه و راهبرد هسته‌ای نظامی یا فناوری جاسوسی، ضد جاسوسی و دفاعی سایبری، بر اساس نیازهای مبرم و حساس متقابل، خلیل چندانی به مناسبات لندن و واشنگتن ایجاد نشده و حتی احتمالاً این شرایط در آینده‌ای قابل تصور گسترش و تعمیق نیز خواهد یافت.

از سوی دیگر، از هم‌اکنون عنوان شده که اگر چه در آینده‌ای نه چندان دور شاید حضور و نفوذ آمریکا در ناتو و برخی حوزه‌های نظامی و راهبردی چون افغانستان و عراق کاهش یابد ولی نظر مشترک لندن و واشنگتن در حفظ و گسترش حضور در منطقه خلیج فارس و ادامه سیاست ایران‌هراسی و ایران‌ستیزی و اشاعه آن در بین دولت‌های عرب حوزه جنوب خلیج فارس است.

### بازنگری در برنامه‌های قدیمی

خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و انتخاب ترامپ، منجر به بازنگری در شماری از برنامه‌های راهبردی اتحادیه اروپا، بخصوص در ابعاد دفاعی خود شده است. در آخرین نشست سران اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۶، سیاست مشترک دفاعی و امنیتی اروپا (سی.اس.دی.پی.) به طور کامل مورد بازنگری و بازخوانی قرار گرفت. در پرتو این حادثه مهم و تأثیرگذار، اکنون روند اجرایی شدن اندیشه تاسیس ارتش واحد اتحادیه اروپا شتاب بیشتری به خود گرفته است.

با آنکه ترامپ در هفته‌های نخست پس از آغاز به کار خود در کاخ سفید، از شدت و دامنه رجزخوانی‌های پیشین خود در دوران مبارزات انتخاباتی، علیه مشارکت کشورش در پیمان ناتو کاسته و قول ادامه همکاری نظامی با اروپا را داده، ولی رهبران اروپایی همچنان

جانب احتیاط را رها نکرده و به دنبال افزایش سریع بودجه نظامی این اتحادیه به تأسیس تدریجی ارتش واحد اروپایی هستند. پیش از این بریتانیا به طور سنتی مخالف و مانع مهم و اصلی تشکیل چنین نیرویی بود تا از افزایش نفوذ و اقتدار روزافزون اتحاد ضد بریتانیایی آلمان و فرانسه در اروپای واحد جلوگیری کند. اکنون این مانع از میان رفته و با وجود ادامه مخالفت‌های لندن، دست کم در این مورد، کمتر کسی به انتقادهای این عضو مطلقه اتحادیه اروپا اعتنایی می‌کند.

با این همه، بریتانیا از یکسو مخالف تشکیل ارتش واحد اروپایی است و از سوی دیگر اصرار دارد که حتی با اجرایی شدن کامل روند خروج از اتحادیه اروپا، همچنان در برنامه ریزی، فرماندهی و عملیات نظامی اروپای واحد در مناطق مختلف جهان سهیم و شریک باشد. اگر چه این قصد بریتانیا در ابتدا مورد موافقت دیگر اعضای اتحادیه اروپا نبود، ولی اکنون با روی کار آمدن ترامپ در آمریکا به نظری رسد که ۲۷ عضو اتحادیه اروپا نیز تاحدی راغب به ادامه مشارکت نظامی بریتانیا با اروپای واحد هستند. هر چند که غیبت سیاسی لندن از تصمیم‌گیری‌های اروپای واحد، ناگزیر بر میزان اقتدار و ضریب نفوذ آن کشور در ناتو نیز تأثیرگذار خواهد بود.

در این میان تعجبی نیست که از هم‌اکنون مذاکرات برای احتمال واگذاری سمت معاونت فرماندهی عالی متحد ناتو از بریتانیا به کشوری دیگر آغاز شده است. این عنوان، مقامی است که بریتانیا از سال ۱۹۵۱ تاکنون بی‌وقفه در اختیار داشته و آن را حق دائمی، بديهی و ناگسستنی خود به عنوان برنده جنگ دوم جهانی و نزدیک‌ترین متحد راهبردی آمریکا قلمداد کرده است.

با این همه، شماری از اندیشکده‌های اروپایی و آمریکایی، از جمله اندیشکده بریتانیایی راست‌گرای «مرکز اصلاحات اروپایی/ Centre for European Reform» که شرایط پسابرگزیت و امریکای دوران

ریاست جمهوری ترامپ را به دقت رصد می‌کند، بر این باور هستند که حتی با وجود تشکیل ارتش واحد اروپایی نیز برگزیت و ترامپسم لطمه جدی به سیاست امنیتی و دفاعی اروپا زده است و بویژه در صورت کسب موفقیت احزاب راست افراطی در آلمان، فرانسه و هلند، خطر این لطمات افزایش نیز خواهد یافت.

افزایش بودجه نظامی اتحادیه اروپا و تشکیل ارتش واحد اروپایی، از یکسو واکنشی منفی است به سیاست منتقدانه ترامپ در قبال ناتو و مشارکت‌های فرامرزی آمریکا و از سوی دیگر، واکنشی مثبت است به انتقاد ساکن جدید کاخ سفید نسبت به پایین بودن سطح نسبی بودجه دفاعی - نظامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا، در مقایسه با بودجه دفاعی - نظامی آمریکا و حتی بریتانیا.

### مدیریت بحران

در این شرایط، دولت بریتانیا در معرکه میان گسستن از اروپا و تعامل بیشتر با آمریکا، درصد است تا مدیریت بحران، شرایط را به نحوی به سمتی که کمترین لطمه را به آن کشور برزند هدایت کند. لندن همچنان بر آن است تا در آینده با فروکش کردن آتش خشم رهبران اتحادیه اروپا از برگزیت، در دوران پسابرگزیت بتواند بر اساس دغدغه‌ها و راهبردهای مشترک فراآتلانتیکی به نقش دیرینه و تاریخی خود به عنوان رابط و حلقه واسطه آمریکا و اروپا ادامه دهد.

از سوی دیگر، وزارت خارجه بریتانیا از هم‌اکنون در تلاش است تا به موازات کم‌رنگ و محو شدن نقش خود در اتحادیه اروپا، مناسبات دوجانبه دیپلماتیک و ضمناً تجاری خود را با ۲۷ عضو دیگر اتحادیه به طور جداگانه گسترش و توسعه دهد. بریتانیا سعی دارد خود را به عنوان کشوری نشان دهد که ضمن دارا بودن امکانات سنتی قوی امنیتی، نسبتاً آسیب کمتری از فعالیت‌های تروریستی دیده است و ضمناً مناسبات خوبی با شماری از کشورهای اسلامی در آسیای مرکزی، خاورمیانه، خلیج فارس و واحدی شمال آفریقا دارد. در این راستا بریتانیا تلاش دارد از این مزیت نسبی به عنوان یک ابزار تشویقی در حفظ مناسبات عمیق و گسترده با دیگر کشورهای اروپایی استفاده کند. با این همه، برخی از ناظران واقع‌گرا تر، از جمله مالکم چالمرز تحلیلگر ارشد «مؤسسه سلطنتی خدمات دفاعی و امنیتی بریتانیا/ RUSI» بر این باور هستند که در دوران پسابرگزیت، برای لندن امکان ادامه نفوذ گسترده سنتی سیاسی، اقتصادی و نظامی پیشین در مناطقی چون بالکان، اوکراین، شمال آفریقا و ترکیه وجود نخواهد داشت و ناگزیر بتدریج این نقش به اتحادیه اروپا و حتی به طور انفرادی به کشورهای اصلی عضو این اتحادیه واگذار خواهد شد.

افزایش بودجه نظامی اتحادیه اروپا و تشکیل ارتش واحد اروپایی، از یکسو واکنشی منفی است به سیاست منتقدانه ترامپ در قبال ناتو و مشارکت‌های فرامرزی آمریکا و از سوی دیگر، واکنشی مثبت است به انتقاد ساکن جدید کاخ سفید نسبت به پایین بودن سطح نسبی بودجه دفاعی - نظامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا، در مقایسه با بودجه دفاعی - نظامی آمریکا و حتی بریتانیا

لندن همچنان امیدوار است تا به بقیه کشورهای اروپایی ثابت کند که حتی با گسستن از اتحادیه اروپا نیز همچنان می‌تواند نقش سنتی خود به عنوان رابط قوی و بی‌خدشه در مناسبات دیپلماتیک اروپا و آمریکا ایفا کند و امریکان نیز به این ادامه نقش رضایت دارد. این البته هدفی است که طبیعتاً آلمان و فرانسه با آن مخالفند و در پی کسب این موقعیت و کنار زدن بریتانیا از آن هستند. در یک کلام، دولت محافظه‌کار بریتانیا با وجود ابهامات و نگرانی‌های خود، بشدت امیدوار است تا از چالش انتخاب ترامپ در آمریکا برای خود فرصت خلق کرده و با فرصت طلبی و بهره‌جویی از شرایط تحمیل شده کنونی به جهان، به نقش سنتی خود در این قاره چه در محدوده اروپا و چه در مناسبات فراتر از اروپا در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، دفاعی، امنیتی و دیگر چالش‌های فراروی منطقه‌ای و جهانی ادامه دهد. در این میان، شاید صحبت از برنامه ریزی راهبردی و سیاست‌های درازمدت برای بریتانیا، مفهوم دقیق و سنتی خود را از دست داده و با درپیش گرفتن سیاست‌های عکس‌العملی و واکنشی، تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان این کشور را معطوف و تحت الشعاع سیاست‌های آمریکا و اتحادیه اروپا کرده است.



عکس: AFP